

# انقلاب و دفاع مقدس در شعر کودک و نوجوان آن موشک، دنیا را گلباران خواهد کرد

انسیه موسویان

یادش به خیر آن روزگاران  
آن روزهای آتش و دود  
آن روزگاری که هر کس  
یک حلقه از زنجیر ما بود...

سرزمین ما ایران  
لاله‌زار بود آن روز  
...  
روز خنده ما بود  
روز گریه دشمن  
روز خوب پیروزی  
بیست و دوم بهمن

مروری بر شعرهای سروده شده برای کودکان و نوجوانان در سال‌های گذشته، نشان می‌دهد که شعرهایی با موضوع انقلاب اسلامی و مضامین مرتبط با آن بسیار اندک هستند. همین تعداد اندک را می‌توان در دو محور تقسیم‌بندی کرد. دسته اول شعرهایی است که موضوع آن مستقیماً پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ است (نظیر همان شعر روز خوب پیروزی). اما اغلب این سروده‌ها به ذکر یاد و خاطره آن روز پُر شکوه، در قالب توصیفات شاعرانه می‌پردازند و گاه نیز اشاره‌هایی کوتاه و اغلب مستقیم به مبارزه مردم با رژیم شاه دارند:

آن روزها یادش به خیر  
آن روزهای انقلاب  
وقتی که کاخ دشمنان  
با خشم مردم شد خراب

● آن روزها یادش به خیر  
وقتی قفس‌ها باز شد  
در آسمان زندگی  
پروازها آغاز شد

● برخاست از هر بام و در  
تکبیرها تکبیرها  
شد پاره با تکبیرها  
زنجیرها، زنجیرها  
(روزهای انقلاب، اسدا... شعبانی)  
شب بود و ز تنهایی  
جان بر لب ما آمد  
در آن دل تاریکی

گرچه هنوز هم پس از گذشت سال‌ها، برخی از شاعران کودک و نوجوان معتقدند مسائلی مانند جنگ و پیامدهای آن را نباید در شعر کودک و نوجوان مطرح کرد، چرا که آوردن این مضامین و صحبت از بمباران و گلوله و خون و... سبب ترویج خشونت در دنیای لطیف و کودکانه آن‌ها می‌شود، اما بیان حقایق جنگ و انقلاب اسلامی برای این طیف مخاطبان کودک و نوجوان، از ضرورت‌ها محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی هشت ساله، به عنوان دو واقعه عظیم تاریخی که کشور ما چندین سال از حیات خود را در آن گذراند، بدون شک در زندگی و سرنوشت آحاد جامعه، از جمله کودکان و نوجوانان تأثیر غیر قابل انکاری داشت و سبب دگرگونی جامعه در تمام شئون و مراحل آن شد. اکنون که کشور آن مراحل را پشت سر گذاشته و در مرحله ثبات و آرامش است، قسمتی از انتقال و شرح این دو حادثه به فرزندان این مرز و بوم، در آثار شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان تجلی کرده است. طبیعی است که در چنین شرایطی، برای گفتن و سرودن از آن وقایع، ناگزیر باید به قول زنده یاد قیصر امین‌پور، «لفظ ناخوش موشک» یا خون و خمپاره و مین را هم وارد شعر کرد!

## روز خوب پیروزی

امروز از هر نوجوان و کودکی که بخواهید شعری درباره پیروزی انقلاب بخواند، اولین و چه بسا تنها شعری که از حفظ زمزمه خواهد کرد، این شعر شاعر نام‌آشنای شعر کودک، مصطفی رحماندوست باشد که در کتاب‌های درسی آمده است:

مثل غنچه بود آن روز  
غنچه‌ای که روییده  
در هوای بهمن ماه  
بر درخت خشکیده  
...

گرچه در زمستان بود  
چون بهار بود آن روز

یک باره صدا آمد

●

ما خسته شدیم از شب

ما منتظر ماهیم

ای روح خدا برگرد

ما شاه نمی‌خواهیم

●

پرسید چه می‌خواهید

شاه از سر ناکامی

مردم همگی گفتند:

«جمهوری اسلامی»

(نوروز در بهمن، افشین علاء)

در این سروده‌ها اغلب از نمادهای آشنا و تکراری چون شب و تاریکی، صبح و خورشید، قفس و زنجیر... برای توصیف روزهای انقلاب استفاده شده است.

گاه نیز شاعر به عنوان کسی که در آن روزها حضور داشته و در متن حماسه بوده، داستان روزهای انقلاب را برای مخاطب شرح می‌دهد:

یادش به خیر آن روزگاران

آن روزهای آتش و دود

آن روزگاری که هر کس

یک حلقه از زنجیر ما بود

●

هر روز شعری و شعاری

بر روی لب یا روی دیوار

از راستی‌ها نقش می‌بست

خط کج ما روی دیوار

●

هر شب سؤالی و جوابی

«نام شب امشب چیست یاران؟»

اسم شب، امشب هست پاییز

نام شب فردا بهاران

●

انگار نارنجک گلی بود

در مُشت‌های بسته ما

بوی گل نارنج می‌داد

انگشت‌های خسته ما

(بوی گل نارنج، شکوه قاسم‌نیا)

در شعر دیگری، شکوه قاسم‌نیا به شکلی غیر مستقیم و شاعرانه، از عظمت و شکوه انقلاب یاد می‌کند:

می‌خواستیم شعری بگویم

شعری برای انقلابم

دیدم که او دریاست و من

یک قطره ناچیز آبم

●

دیدم که باید ابر باشم

از صبح تا شب هی بیارم

تا شاید اشک مادران را

در بیتی از شعرم بیارم

●

دیدم که باید رعد باشم

غزنده و پُر شور و غوغا

آن وقت در شعرم بگویم

تکبیرها، فریادها را

●

دیدم که باید دشت باشم

دشتی پُر از لاله، شقایق

تا از شهادت‌ها بگویم

از قلب‌های گرم و عاشق

(شعر انقلاب، شکوه قاسم‌نیا)

محور بعدی که در زمینه شعر انقلاب باید بدان اشاره کرد، «حضرت امام خمینی» است. امام خمینی(ره)، به عنوان رهبر و پیشوا که انقلاب تاریخی اسلامی ایران، به رهبری و به یمن هدایت و روشنگری ایشان تحقق یافت، در شعر شاعران کودک و نوجوان حضوری روشن و پُر رنگ دارد. بسیاری از شاعران، به توصیف روز ۱۲ بهمن ۵۷ و بازگشت امام به میهن پرداخته‌اند:

وقتی هواپیما

از دور پیدا شد

آغوش یک ملت

بر روی او وا شد

●

یک پله یک پله

می‌آمد او پایین

با چهره‌ای پُر نور

با خنده‌ای شیرین

●

آرام می‌آمد

دل، بی‌قرارش بود

دریایی از مردم

در انتظارش بود...

(یک پله یک پله، افشین علاء)

وقتی که تو آمدی دوباره

از هر طرفی سپیده سر زد

در باغ، شکوفه شد شکوفا

پروانه به سوی غنچه پُر زد

●

در خانه و کوچه و خیابان

گل‌های قشنگ خنده روید

از شادی دیدن تو آن روز

هم غنچه و هم جوانه خندید

(آن روز، افسانه شعبان‌نژاد)

شاید یکی از زیباترین شعرهایی که درباره انقلاب، با تأکید بر نقش حضرت امام(ره) در پیروزی انقلاب، برای نوجوانان سروده شده، شعر «خط خورشید»، از زنده یاد قیصر امین‌پور



## موضوع انقلاب،

### در شعر

### شاعران جوانی

### که در عرصه شعر

### کودک و نوجوان

### فعالند، چندان

### مورد توجه

### قرار نگرفته است.

### شاید یکی از دلایل

### این امر را بتوان

### کم‌سن و سال بودن

### این شعرا

### دانست

باشد. در این شعر که زبانی کاملاً غیر مستقیم و سمبولیک دارد، در عین استفاده از همان نمادهای آشنا و تکراری (خزان و بهار، سپیده و شب، خورشید و ابرهای تیره)، با نگاهی نو به خلق تصاویری بکر و خلاقانه و ایجاد فضایی حماسی و متناسب با مفهوم مورد نظرش می‌پردازد:

شب، شبی بیکران بود  
دفتر آسمان پاره پاره  
برگ‌ها، زرد و تیره  
فصل، فصل خزان بود  
هر ستاره،  
حرف خط‌خورده ای تار  
در دل صفحه آسمان بود  
گرچه گاهی شهبابی  
مشق‌های شب آسمان را  
زود خط می‌زد و محو می‌شد  
باز در آن هوای مه‌آلود  
پاک‌کن‌هایی از ابر تیره  
خط خورشید را پاک می‌کرد  
ناگهان نوری از شرق تابید  
خون خورشید  
آتشی در شفق زد  
مردی از شرق برخاست  
آسمان را ورق زد!

(خط خورشید، قیصر امین‌پور)

موضوع انقلاب، در شعر شاعران جوانی که در عرصه شعر کودک و نوجوان فعالند، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. شاید یکی از دلایل این امر را بتوان کم‌سن و سال بودن این شعرا دانست. آن‌ها طبیعتاً در دوران انقلاب یا هنوز متولد نشده بودند یا آن‌قدر کم‌سن بوده‌اند که چیزی از آن روزگار آتش و خون و مقاومت به خاطر ندارند. آن‌چه دیده‌اند و شنیده‌اند، از طریق تصاویر، فیلم‌ها و کتاب‌هاست. با این حال، نمونه‌های انگشت‌شماری در میان مجموعه شعرهای شاعران جوان‌تر می‌توان یافت که به موضوع انقلاب و امام پرداخته‌اند. شعر «نوبت بهار»، از غلامرضا بکتاش، یکی از نمونه‌های خوب شعر برای انقلاب است که در آن از زبان یک دانش‌آموز، با زبانی ساده و بیانی موجز، از انقلاب سخن می‌گوید. قهرمان این شعر «مبصر کلاس» است:

قیل از انقلاب، در کلاس ما، عکس شاه بود  
تخته کلاس، روسیاه بود  
باز هم نوشت، مبصر کلاس، روی آن شعار  
ناگهان رسید، نوبت بهار  
مبصر کلاس، روز و شب نوشت، تا شهید شد  
تخته کلاس، رو سپید شد!  
(نوبت بهار، غلامرضا بکتاش)  
به ما همیشه گفته‌اند:  
شما که یادتان نمانده است  
شما که جنگ را ندیده‌اید

شما که بچه بوده‌ایم  
اگرچه یک تفنگ هم ندیده‌ایم  
ولی صدای گریه شبانه عروسکم  
که توی گوش من  
هنوز زنگ می‌زند،  
ولی دلی که از هراس می‌تپید  
و در کنار او نشسته بود  
و موشکی که کاغذی نبود  
و وحشیانه سوت می‌کشید!  
ولی نگاه مادرم  
که چند سال آژگار  
کنار در نشسته است،  
ولی کلاه و چفیه برادرم  
که روی جالیبازی قدیمی اتاقمان  
در انتظار مانده است،  
ولی هزار یادگار  
ولی هزار خاطره  
برایمان گشوده است  
به روی جبهه پنجره!  
(هزار پاره خاطره، پروانه پارسا)

جنگ تحمیلی و حوادث و پیامدهای ناشی از آن نیز در شعر کودک و نوجوان، به شکل‌های گوناگون نمود یافته است؛ هر چند نمونه‌هایی که از شاعران در این زمینه داریم، به لحاظ کمی بسیار اندک و به لحاظ کیفی مجدد است. البته در سال‌های اخیر، از سوی برخی شاعران و ناشران، تلاش‌هایی صورت گرفته و آن چاپ و انتشار مجموعه شعرهایی برای کودکان و نوجوانان با محوریت دفاع مقدس است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «پاتک به لحظه‌ها»، اثر ناصر کشاورز و «مثل من به انتظار» از جواد محقق، «اجازهای بی‌جواب»، اثر اسماعیل محمدپور اشاره کرد که تمام سروده‌های آن به جنگ و مسائل مرتبط با آن اختصاص دارد.

شعرهایی را که برای کودک و نوجوان، با موضوع دفاع مقدس سروده شده نیز می‌توان به لحاظ موضوعی در چند محور مورد بررسی قرار داد:

الف: ذکر و توصیف و یاد روزهای جنگ  
فصل، فصل میهمانی بود و نور  
فصل رویش، گل شدن، فصل غرور  
بچه‌ها مثل پرستوهای شاد  
کوچ می‌کردند روی بال باد  
یک به یک پَر می‌زدند از خانه‌ها  
دست‌هاشان داشت بوی کربلا  
...

بچه‌های شهر ما گلچین شدند  
کوچه‌ها با نام‌شان آذین شدند  
فصل گل، فصل دعا، یادش به خیر  
فصل سرخ لاله‌ها، یادش به خیر  
(فصل لاله‌های سرخ، سیدسعید هاشمی)



## ماجرای

شهادت «فهمیده».

از آن داستان‌هایی

است که قابلیت

این را دارد تا

در صورت

پرداخت هنرمندانه،

در قالب منظومه‌ای

ملی و حماسی،

تبدیل به اسطوره‌ای

تازه و قهرمانی

امروزی و ملموس

و واقعی در عرصه

ادبیات کودک و

نوجوان شود

در سروده‌هایی مانند شعر فوق، شاعر تصویری کلی همراه با توصیفاتی شاعرانه از روزهای جبهه و جنگ ارائه می‌دهد. در این سروده‌ها، به عبارات و ترکیباتی چون فصل رویش، فصل سرخ لاله‌ها و... برمی‌خوریم که بعدها از فرط تکرار، حالت کلیشه می‌یابند.

روی دست سبز آن دریا دلان  
موج می‌زد طرح قایق‌های سرخ  
کوچه‌ها، حال و هوایی تازه داشت  
روز پیروز شقایق‌های سرخ

سال‌ها شب‌هایی که با بذر شهاب  
روشنی در تیرگی می‌کاشتیم  
صبح از دامان باغ آفتاب  
خوشه‌های نور برمی‌داشتیم  
(سال سبز، بابک نیک‌طلب)

در شعر فوق نیز یاد روزهای جنگ، با ترکیباتی چون شقایق‌های سرخ، بذر شهاب خوشه‌های نور و... توصیف شده است؛ ترکیباتی که قطعاً امروز کلیشه‌ای محسوب می‌شوند. البته اگر به تاریخ سرایش این شعرها (دهه ۶۰) توجه کنیم، شاید بر شاعر خرده نگیریم. در آن دوران، این سروده‌ها در نوع خود، نو و خلاقانه محسوب می‌شدند و توجه شاعران، بیش از فرم به محتوا معطوف بود و حتی در شعر بزرگسال آن روزگار نیز نمونه‌های فراوانی از سروده‌های این چنین داریم که در آن‌ها، غلبه با شعار و استفاده از نمادها و اصطلاحات و ترکیباتی بود که اکنون برای ما کلیشه محسوب می‌شوند.

ب: دسته دوم سروده‌هایی هستند که در آن‌ها، کودک و نوجوان از این منظر مورد توجه است که پدر، برادر یا یکی از بستگان و نزدیکانش به جبهه رفته یا شهید شده و او از بیرون نظاره‌گر یا راوی است:

پدرم رفته به جنگ  
هم چنان بی‌خبرم  
چشم من مانده به راه  
کی می‌آید پدرم؟

کاش چون پروانه  
بگشایم پر و بال  
بروم پیش پدر  
کنم او را خوشحال  
(انتظار، اسدا... شعبانی)  
در گنج آتاقش  
بی‌بی تک و تنهاست  
آرام نشسته  
پشتش به متکاست  
عکس پسر او  
در قاب قشنگ است  
اما خودش الان

در جبهه جنگ است  
(گل آینه، قرآن، افشین علاء)

شعر «اتفاق ساده»، از زنده یاد قیصر امین‌پور، یکی دیگر از این دسته شعرهاست که در آن نوجوانی خطاب به پدرش که در جبهه است، گفت‌وگو می‌کند؛ با زبانی ساده، اما شاعرانه و زیبا:

آن روز شیشه‌ها را  
باران و برف می‌شست  
من مشق می‌نوشتم  
پروانه ظرف می‌شست

وقتی که نامه‌ات را  
مادر برای ما خواند  
باران پشت شیشه  
آرام و بی‌صدا ماند

در آن نوشته بودی  
حال تو خوب خوب است  
گفتی که سنگر ما  
در جبهه جنوب است

یک قطره شبنم از گل  
بر روی برگ غلتید  
یک قطره روی شیشه  
مثل تگرگ غلتید

یک قطره از دل من  
بر روی دفتر افتاد  
یک اتفاق ساده  
در چشم مادر افتاد

باران پشت شیشه  
آمد به خانه ما  
آرام دست خود را  
می‌زد به شانه ما

(اتفاق ساده، قیصر امین‌پور)

ج: شعرهایی در ستایش و توصیف شهیدان:

خوش به حال شهیدا  
که زمین دفتر نقاشی آن‌ها شده است  
می‌توانند هزاران دریا  
داخل دفترشان رسم کنند  
(دفتر نقاشی، سلمان هراتی)

در این سروده‌ها، شاعر به توصیف مقام والا و شخصیت بی‌نظیر شهیدان می‌پردازد و عموماً از همان ترکیبات کلیشه‌ای و نمادهای تکراری چون کوچ پرستو، پرنده مهاجر، لاله سرخ، شقایق عاشق و... سود می‌جوید:  
باز هم عطر شهادت آمد



در آن روزگار،  
حتی گاه شعار بیش  
از شعر تأثیر و  
کاربرد داشت،  
اما اکنون که  
سال‌های سال از آن  
دوران می‌گذرد،  
نیاز جدی به  
شکستن این  
کلیشه‌ها و بیان  
هنرمندانه  
و خلاقانه  
حقایق جنگ،  
بیش از پیش  
احساس می‌شود

یک پرستو کوچید  
 خاک و خمپاره و خون  
 بعد فواره دود  
 و سواری آمد  
 و شهیدی را برد...  
 (گل گلدان خدا، حمید هنرجو)  
 در این بخش، می‌توان شعرهایی را نیز قرار داد که قهرمان اصلی آن کودک یا نوجوان شهید است که نمونه‌های فراوانی از این شعرها در مجموعه شعرهای کودک و نوجوان سراغ داریم:  
 روی دروازه دبیرستان  
 پرچمی دست باد می‌لرزد  
 روی پرچم نوشته‌اند درشت:

«احمد خوش‌نشین شهید شده‌ست»  
 بادها با صدایی از افسوس  
 این خبر را به دورها بردند  
 آسمان بغض کرده بود آن روز  
 آفتاب آن طرف از جنگل  
 خسته بود و دگر نمی‌خندید  
 باد آمد میان شاخه نشست  
 بر لیش این کلام جاری شد:  
 «جای احمد که می‌رود جبهه؟»

جنگل دست‌ها نمایان شد!  
 (جای احمد، سلمان هراتی)  
 در شعر فوق، «احمد» که نوجوانی دبیرستانی است، شهید شده است و شاعر در پایان بر ادامه راه شهید توسط هم‌سن و سالان او تأکید می‌کند.

شعر «حضور لاله‌ها» از قیصر امین‌پور نیز که مضمونی مشابه شعر سلمان هراتی دارد، از این دست است. در این شعر نیز قهرمان اصلی نوجوان است. شاعر توجه و دقت ویژه‌ای در انتخاب نام شاگردان کلاس داشته است و در پایان، بر ادامه راه شهید تأکید می‌کند:

باز هم اول مهر آمده بود  
 و معلم آرام  
 اسم‌ها را می‌خواند:  
 - اصغر پورحسین!  
 پاسخ آمد: - حاضر  
 - قاسم هاشمیان!  
 پاسخ آمد: - حاضر  
 - اکبر لیلزاد

...  
 پاسخش را کسی از جمع نداد  
 - اکبر لیلزاد!

...  
 پاسخش را کسی از جمع نداد  
 همه ساکت بودیم

جای او این‌جا بود  
 اینک اما تنها  
 یک سید لاله سرخ  
 در کنار ما بود  
 لحظه‌ای بعد معلم سبد گل را دید  
 شانه‌هایش لرزید  
 همه ساکت بودیم  
 ناگهان در دل خود زمزمه‌ای حس کردیم  
 غنچه‌ای در دل ما می‌جوشید  
 گل فریاد شکفت!  
 همه پاسخ دادیم:

- حاضر!

ما همه اکبر لیلزادیم!

(حضور لاله‌ها، قیصر امین‌پور)

مباران شهرها و خانه‌ها در دوران جنگ تحمیلی و شهادت مظلومانه کودکان نیز دست‌مایه شاعران برای سرودن بوده و در شعرهای زیادی قهرمان اصلی خود کودک یا نوجوان است؛ نظیر شعر «بمب و ماهی» که با زبانی کودکانه از قول کودکی نقل می‌شود:

وضعیت قرمز شد  
 من دم پتجرهام  
 ماهی من در حوض  
 من او خیره به هم  
 در هوا می‌بینیم  
 یک هواپیما را  
 او هم از آن بالا  
 دیده شاید ما را...

●

بمب‌ها افتادند  
 چشم‌ها را ایستم  
 توی این تاریکی  
 فکر ماهی هستم

●

وضعیت عادی شد  
 همه جا شد روشن  
 روی خاک افتاده  
 ماهی کوچک من

●

ماهی‌ام می‌خندد  
 دشمن از ما دور است  
 خواهرم می‌گوید:

«چشم دشمن کور است»

(بمب و ماهی، ناصر کشاورز)

ماجرای شهادت شهید حسین فهمیده که به عنوان قهرمانی ملی و یکی از جلوه‌های فداکاری و ایثار و از جان‌گذشتگی، در تاریخ ایران مطرح است نیز بسیار مورد توجه شاعران کودک و



امام خمینی (ره)،  
 به عنوان  
 رهبر و پیشوا  
 که انقلاب تاریخی  
 اسلامی ایران،  
 به رهبری و  
 به یمن هدایت و  
 روشنگری ایشان  
 تحقق یافت،  
 در شعر شاعران  
 کودک و نوجوان  
 حضوری روشن و  
 پر رنگ دارد

د: یکی دیگر از مضامین مورد توجه شاعران، نکوهش جنگ (به‌طور کلی) و آرزوی صلح و امنیت و آرامش برای تمام جهانیان است. جنگ تحمیلی کشور ما که از اکنون از آن با عنوان دفاع مقدس یاد می‌کنیم، برای همه ما ارزشمند است. طبیعی است که شاعران ما چنین جنگی را بستانید و رزمندگان، شهیدان و حماسه‌سازان این واقعه عظیم را ارج نهند و در وصف آن‌ها شعر بگویند، اما هنگامی که جنگ به مفهوم عام آن مورد نظر است، قاعدتاً با پدیده‌ای غیر انسانی و نکوهیده مواجه هستیم که هیچ انسانی در هیچ کجای جهان آن را نخواهد ستود:

اولین بار کجا آدم‌ها  
به سر و صورت هم چنگ زدند؟  
در زمین ظلم و ستم پیدا شد  
حرف از کشتن و از جنگ زدند؟

●  
اولین بار کجای دنیا  
رحم از سینه آدم‌ها رفت؟  
در زمین بمب اتم پیدا شد  
دوستی پر زد و از دنیا رفت؟  
(جنگ، عباسعلی سپاهی‌یونسی)  
این‌گونه است که شاعر گاه برای کبوتران، آسمان،  
درخت‌ها، خانه و آشیانه‌هایی که از آتش جنگ ویران می‌شوند،  
نگران است:

...  
از آتش گلوله‌ها  
خراب می‌شوند آشیانه‌ها  
و در هجوم رعد و برق شعله می‌کشند.  
درخت‌ها

دوباره آفتاب می‌دمد  
دوباره دفتری سیاه بسته می‌شود

ولی  
از آن به بعد  
کبوتران  
نه روی شاخه‌ها  
نه توی لانه‌ها  
کبوتران  
فقط کبوتران چاهی‌اند!  
(کبوتران چاهی، بیوک ملکی)  
و گاه کودکی می‌شود که می‌خواهد موشکی بسازد، موشکی  
که خلاف موشک آدم‌بزرگ‌ها، بر بام خانه‌ها به جای گلوله، گل  
خواهد بارید:

من دارم، می‌سازم، در ذهنم، یک موشک  
هم زیبا، هم خوش‌رنگ، هم ساده، هم کوچک...  
می‌افتد، آن موشک، بر بام، هر خانه  
می‌بارد بر هر جا، هم گل، هم پروانه  
آن موشک، دنیا را، گلباران، خواهد کرد  
شادی را، در دل‌ها، صد چندان، خواهد کرد  
(یک عالم پروانه، افشین علاء)

نوجوان واقع شده؛ شاید به این دلیل که او خود نوجوان است  
و مخاطب به راحتی می‌تواند نسبت به او احساس نزدیکی و  
هم‌ذات‌پنداری داشته باشد.

در سال‌های اخیر، علاوه بر سرودن شعرهایی به صورت  
پراکنده برای این شهید نوجوان، مجموعه شعرهای مستقلی نیز  
با محوریت این قهرمان سروده شده است.<sup>۱</sup>

ماجرای شهادت «فهمیده» از آن داستان‌هایی است که  
قابلیت این را دارد تا در صورت پرداخت هنرمندانه، در قالب  
منظومه‌ای ملی و حماسی، تبدیل به اسطوره‌ای تازه و قهرمانی  
امروزی و ملموس و واقعی در عرصه ادبیات کودک و نوجوان  
شود. از شعرهایی که به صورت پراکنده برای حسین فهمیده  
سروده شده، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

باز هم از گرد راه  
هشتم آبان رسید  
در دل پاییز سرد  
باز بهاران رسید

●  
باز هوا تازه شد  
از نفس پاک او  
لاله ز هر سو دمید  
از تن صد چاک او

●  
با همه کودکی‌اش  
دل به خدا داده بود  
خرد شدن زیر تانک  
در نظرش ساده بود!

●  
این همه ایثار را  
چون که از او دیده‌ایم  
گر برسد روز جنگ  
ما همه فهمیده‌ایم  
(ما همه فهمیده‌ایم، افشین علاء)

شعر فوق، خلاف مضمون حماسی آن، دچار اشکالاتی  
است که آن را از قدرت دور کرده؛ ابیاتی چون «خرد شدن زیر  
تانک / در نظرش ساده بود» که بیانی خشن و مستقیم است،  
پایان شعر که حالت شعاری دارد و وزن شاد و ریتمیک آن که  
با مضمون و درون‌مایه شعر در تضاد است، از دلایل ضعف شعر  
به شمار می‌رود.

غلامرضا بکتاش نیز در شعری که از زبان یک نوجوان  
بیان می‌شود، با قهرمان شعر، «حسین فهمیده» هم‌ذات‌پنداری  
کرده است. پایان‌بندی شعر، با توجه به ابهام به کار رفته در کلمه  
«فهمیده» قابل تأمل است:

افتاد بر خاک ، یک تانک دشمن ، با پاتک تو  
گل کاشت آن روز ، در خاک ایران ، نارنجک تو  
شاید اگر من ، جای تو بودم ، ترسیده بودم  
ای کاش من هم ، اندازه تو ، «فهمیده» بودم!  
(گل کاشت آن روز، غلامرضا بکتاش)



## حرف آخر

به جز موضوع‌هایی که کمابیش در سطور پیشین به آن‌ها اشاره شد، شعرهای دیگری نیز در موضوع‌هایی مرتبط با جنگ و دفاع مقدس سروده شده؛ از جمله شهر خرمشهر، فرزند شهید، بمباران مدارس و... که به دلیل مجال و فرصت اندک، در این مقاله بدان اشاره‌ای نداشتیم. مروری بر شعرهای سروده شده در سالیان گذشته در این ارتباط، نشان می‌دهد که در این زمینه هم به لحاظ کیفی و هم کمی دچار کمبود هستیم. اگر جنگ را از منظر یک پدیده اجتماعی بنگریم، وجوه مختلفی را شامل می‌شود و پیامدهای گوناگونی را در بر می‌گیرد. جدا از تکریم و تمجید مقام شهدا، حسین فهمیده و پدری که در جبهه است و چند موضوع دیگر. در سایر موضوع‌های مرتبط با جنگ یا هیچ شعری نداریم یا تعداد شعرهای سروده شده، بسیار اندک است. به عبارت بهتر، شعر کودک و نوجوان ما در بخش دفاع مقدس، به شدت دچار محدودیت موضوع و مضمون است. مثلاً حادثه مهمی چون فتح خرمشهر، می‌توانست محور موضوعی شعرهای بسیاری قرار بگیرد. آوارگی و بی‌سرپناهی هموطنان جنگ‌زده، اسارت رزمندگان و آزادی آن‌ها، موشک‌باران شهرها، بازسازی شهرهای ویران شده از جنگ، کودکان و نوجوانانی که در اثر جنگ خانواده خود را از دست داده‌اند، فرزندان شهدا و مجروحان شیمیایی، معلولان و اینترگران، شهدای گمنام و مفقودالانرا، تشییع پیکر شهدا و... همه و همه گوشه‌هایی هر چند تلخ از واقعیتی به نام جنگ هستند که رسالت عظیم به تصویر کشیدن این صحنه‌ها با زبان شعر، بر دوش شاعران کودک و نوجوان است. به راستی چند شعر کودک و نوجوان در طول این سال‌ها سروده شده که در آن پدر یا برادر یا یکی از بستگان کودکی که مخاطب ماست، مجروح شیمیایی باشد یا دست و یا پایش را در جنگ از دست داده باشد؟

چند شعر برای بازگشت سرافرازانه آزادگان داریم؟ در کدام شعر سرگذشت کودکان آواره در شهرهای جنگ‌زده را به تصویر کشیده‌ایم؟ نکته دیگری که باید مد نظر قرار بگیرد، پرهیز از کلیشه‌ها و توصیفات کلی و عام و تعابیر و تصاویر تکراری است. همان‌گونه که در سطور پیشین اشاره شد، در بحبوحه سال‌های جنگ و انقلاب، بیان شعاری، استفاده از نمادهایی چون لاله، سرو، کبوتر، خورشید، شب، خفاش، دیو، جغد و... پذیرفتنی و اجتناب‌ناپذیر بود. در آن روزگار، حتی گاه شعار بیش از شعر تأثیر و کاربرد داشت، اما اکنون که سال‌های سال از آن دوران می‌گذرد، نیاز جدی به شکستن این کلیشه‌ها و بیان هنرمندانه و خلاقانه حقایق جنگ، بیش از پیش احساس می‌شود. کلیشه‌هایی که بدون شکست اکنون برای مخاطب ما هیچ جذابیتی نخواهند داشت و مدت‌هاست کاربرد و تأثیر هنری خود را از دست داده‌اند.

تحقیق درباره این مسائل، خود موضوع یک پژوهش گسترده و مستقل است که به آسیب‌شناسی جدی این معضلات در شعر کودک و نوجوان بپردازد و در این مجال، تنها اشاره‌ای

بدان شده باشد که محققان و پژوهشگران این عرصه، دست به پژوهش‌های گسترده‌تر و علمی‌تر در این راستا بزنند.

### پی‌نوشت:

\* از آن‌جا که تمام نمونه شعرهای مرتبط با موضوع‌های مطرح شده در این مقاله، در دسترس نبود و در صورت در دسترس بودن نیز مجال گسترده‌ای می‌طلبید، در هر بحث تنها به برخی شعرها به عنوان نمونه اشاره شده است.

۱ - مجموعه شعر **گل صد برگ و تانگ**، سروده افشین علاء و کتاب **کودکی از جنس نارنجک**، سروده محمد گودزی‌دهریزی

### بخشی از منابع مورد استفاده:

- به قول پرستو، قیصر امین‌پور، نشر زمان، چاپ اول، ۱۳۸۰
- پیشواز روشنی، بابک نیک‌طلب، نشر زلال، چاپ دوم، ۱۳۷۵
- عطر خنده امام، افشین علاء، به‌نشر، چاپ اول، ۱۳۸۳
- پونه‌ها و پروانه‌ها، افسانه شعبان‌نژاد، سروش، ۱۳۷۸
- راه رفتن زیر باران، عباسعلی سپاهی‌یونسی، آیین تربیت، ۱۳۸۰
- پُر از پرندهام، پروانه پارسا، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۹
- مثل چشمه، مثل رود، قیصر امین‌پور، سروش، چاپ سوم، ۱۳۷۶
- تکه‌ای از آسمان، سیدسعید هاشمی، کانون پرورش فکری، چاپ اول، ۱۳۷۶
- مداد کوتاه، ناصر کشاورز، شباویز، چاپ اول، ۱۳۸۳
- ما با هم، اسد... شعبانی، کانون پرورش فکری، چاپ دوم، ۱۳۶۶
- یک عالم پروانه، افشین علاء، رویش، ۱۳۷۳
- پاییزخانم، ناصر کشاورز، کانون پرورش فکری، چاپ اول، ۱۳۷۴
- گل آفتابگردان، اسد... شعبانی، کانون پرورش فکری، چاپ اول، ۱۳۶۸
- برف و بهار، شکوه قاسم‌نیا، کانون پرورش فکری، چاپ اول، ۱۳۸۵
- رونویسی از بهار، غلامرضا بکتاش، کانون پرورش فکری، چاپ اول، ۱۳۸۵
- باز با باران، بیوک ملکی، کانون پرورش فکری، چاپ اول، ۱۳۸۵
- آیین‌های آسمان، حمید هنرجو، کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه، ۱۳۷۶
- خاطرات مه‌گرفته، افشین علاء، کانون پرورش فکری، ۱۳۷۹
- چشمه نور، مصطفی رحماندوست، کانون پرورش فکری
- مجموعه اشعار سلمان هراتی، چاپ اول، دفتر شعر جوان، ۱۳۸۰

